



Theosophical-Philosophical Foundation of Iranian Art

Volume 3 / Issue 4 / pages 290-305 / e-ISSN: 2980-7875 / p-ISSN: 2981-2356

Original Research

10.30486/PIA.2025.140402151205894



Identifying the Key Components and Concepts Influencing Lifestyle and Residential Architecture in the Historical Fabric of Tabriz

Elnaz Ashrafi¹, Lida Balilan Asl², Dariush Sattarzadeh³, Parisa Hashempour⁴

1-PhD Student, Department of Architecture, Abbreviation Ta.c. Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2-Full Professor, Department of Architecture, Abbreviation Ta.c. Islamic Azad University, Tabriz, Iran
(Corresponding Author)

3-Associate Professor, Department of Architecture, Abbreviation Ta.c. Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

4-Associate Professor, Department of Architecture, Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Abstract

Introduction: Lifestyle is a reflection of both the tangible and intangible dimensions of culture, encompassing values, social norms, belief systems, and behavioral patterns that guide how individuals and communities interact with each other and with their built environment. These cultural expressions significantly influence the configuration, symbolism, and evolution of residential architecture—especially in historical urban settings, where architectural forms serve as spatial narratives that express identity, tradition, and the collective memory of place. In this context, the historical fabric of Tabriz, a major city in northwestern Iran, represents a unique and layered cultural landscape in which architecture and lifestyle have been historically intertwined. Over the past century, Tabriz's historical neighborhoods have been exposed to powerful forces of modernization, economic transition, and cultural transformation. These shifts have introduced new lifestyles, altered patterns of social organization, and consequently changed the functional and symbolic dimensions of domestic architecture. The transformation of spatial typologies, the decline of traditional courtyard houses, and the emergence of new construction methods and materials have disrupted the continuity between architecture and cultural identity in the historic fabric.

Methodology: This study addresses the central research question: What are the essential components and conceptual categories that have influenced the reciprocal relationship between lifestyle and residential architecture in the historical context of Tabriz? To answer this, the study employs a qualitative and interpretive research methodology. Data were collected through semi-structured interviews with 14 experts—including scholars and practitioners in architecture, urbanism, and sociology—with 20 to 30 years of professional and academic experience. The data were analyzed using the three-stage conceptual analysis method developed by Schwartz, Barkat, and Kim (2000), consisting of initial coding, axial categorization, and synthesis into a conceptual model.

Results: The findings reveal that lifestyle in Tabriz's historic neighborhoods is shaped by a dynamic interplay of cultural traditions, social relationships, economic conditions, and environmental considerations. Architecture, in turn, reflects these influences on two levels: the functional level—concerning spatial organization, privacy, circulation, and environmental responsiveness—and the symbolic level, related to expressions of identity, religious values, social hierarchy, and ritual behavior.

Conclusion: The study ultimately presents a detailed conceptual model comprising five dimensions, five primary components, and fourteen interpretive indicators. This model not only facilitates a deeper understanding of the relationship between lifestyle and housing form in historical contexts but also offers a strategic framework for culturally informed design, heritage conservation, and sustainable revitalization efforts in historic urban environments such as Tabriz.

Keywords: Architecture, Historical Fabric, House, Lifestyle, Tabriz

Received: 2025-05-05

Accepted: 2025-06-25

lida-balilan@iaut.ac.ir



شناسایی مؤلفه‌ها و مفاهیم تأثیر گذار بر سبک زندگی و معماری خانه‌های ساخته شده در بافت تاریخی تبریز^۱

الناز اشرفی^۱، لیدا بلیلان اصل^۲، داریوش ستارزاده^۳، پریساهاشم‌پور^۴

۱- دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲- استاد تمام، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۳- دانشیار، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۴- دانشیار، گروه معماری، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

سبک زندگی بازتابی از ابعاد عینی فرهنگ، شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها و الگوهای تعاملات اجتماعی در هر جامعه است و نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری معماری مسکن، به‌ویژه در بافت‌های تاریخی ایفا می‌کند. بافت تاریخی شهر تبریز را می‌توان، نمونه‌ای برجسته از تبلور معماری بومی و بازنمایی سبک زندگی ساکنان آن، در دوره‌های مختلف تاریخی دانست. با ورود جریان‌های نوین فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سال‌های اخیر، تغییراتی محسوس در شیوه‌های زندگی و به تبع آن در الگوهای کالبدی مسکن در این بافت‌ها رخ داده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه مؤلفه‌ها و مفاهیم بنیادینی سبک زندگی و معماری خانه‌های شکل گرفته در بافت تاریخی تبریز را تحت تأثیر قرار داده‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش، تحقیق با رویکردی کیفی و ماهیت بنیادی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نمونه‌گیری هدفمند از ۱۴ نفر از خبرگان و متخصصین دانشگاهی که دارای ۲۰ تا ۳۰ سال تجربه تخصصی در حوزه‌های معماری، شهرسازی و جامعه‌شناسی هستند، گردآوری و با روش تحلیل مفهومی سه مرحله‌ای شوارتز-بارکات و کیم (۲۰۰۰) تحلیل گردیده است. یافته‌ها نشان داد، سبک زندگی تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته است و معماری خانه‌ها نیز در دو سطح عملکردی و نمادین و از منظر عوامل درونی و بیرونی قابل تحلیل است. در پایان، مدل مفهومی پژوهش شامل پنج بُعد، پنج مؤلفه اصلی و چهارده شاخص ارائه گردیده است که می‌تواند، مبنایی برای تحلیل و طراحی در فرآیند بازآفرینی بافت‌های تاریخی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: بافت تاریخی، تبریز، خانه، سبک زندگی، معماری

^۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه نویسنده اول مقاله با عنوان: تبیین کنش سبک زندگی ایرانی بر معماری مسکونی معاصر تبریز با تأکید بر مقوله فرهنگ در محله مقصودیه با راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز تنظیم شده است.

۱. مقدمه

ساختار مسکن صرفاً کالبدی فیزیکی برای زیستن نیست؛ بلکه پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی است که هدف آن ایجاد بستری برای زیست معنادار انسانی در قالب یک واحد فضایی-اجتماعی است. خانه‌های مسکونی آینه‌ای از تاریخ، فرهنگ و سبک زندگی مردمان هر سرزمین‌اند. این فضاها علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای مادی، بستر ظهور و تجلی ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی‌اند. در لایه‌های پنهان معماری خانه‌های ایرانی می‌توان، ردپای دین، جهان‌بینی، هنر، علم، اقتصاد و فناوری را مشاهده کرد که در فرایندی تاریخی و فرهنگی، ساختار فضایی مسکن را شکل داده‌اند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۲). در خانه‌های سنتی ایران، معماری برخاسته از بطن جامعه سنتی بود و نوعی هم‌گرایی میان شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه‌ها وجود داشت. (حایری، ۱۳۸۸: ۸۷) این هماهنگی در دوره‌های مختلف تاریخی تداوم یافت؛ اما از اواخر دوره قاجار، تحت تأثیر گفتمان‌های نوین و تعاملات فکری با غرب، دستخوش تحول شد. این روند از دوره پهلوی اول، با رویکرد غرب‌گرایانه در اندیشه و کالبد، آغاز شد؛ در پهلوی دوم با تأکید بر مدرن‌سازی درونی، ادامه یافت؛ و در دوره جمهوری اسلامی، با نوعی تردید میان سنت و تجدد و هم‌زمان با ورود فناوری‌های نوین، بازتعریف شد. از دهه ۱۳۷۰، با گسترش فناوری اطلاعات و معماری دیجیتال، فاصله میان سبک زندگی و سازمان فضایی خانه‌ها بیشتر گردید. (بانی مسعود، ۱۳۹۱، ۴۹۶).

سبک زندگی، به‌ویژه در جوامع معاصر، ابزار تحلیلی مهمی برای فهم فرهنگ عامه به‌شمار می‌آید. تحلیل شیوه‌های زیست، نگرش‌ها، ارزش‌ها و عادات روزمره افراد، درک عمیق‌تری از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه به‌دست می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۵؛ حاجبانی، ۱۳۹۱: ۱۱). سبک‌های زندگی، بازتابی از ساختارهای کلان فرهنگی‌اند و شناخت آن‌ها، کلید درک معماری مسکن به‌عنوان یک محصول فرهنگی است. معماری نیز، هم بر ساخته فرهنگ است و هم در بازتولید آن نقش دارد. فضای مسکونی، نقطه تلاقی میان انسان، فرهنگ و ماده است؛ عرصه‌ای که در آن احساسات، هویت، عواطف، خاطره‌ها و ارزش‌های اجتماعی متجلی می‌شوند (فلامکی، ۱۳۷۹: ۳۴؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). با نگاهی تاریخی به تحولات سبک زندگی در ایران می‌توان، رد پای تغییرات بنیادین در شیوه سکونت را از اواخر دوره قاجار ردیابی کرد. این تحولات در ابتدا از طبقات اشرافی آغاز شده و به تدریج به سایر طبقات اجتماعی تسری یافت. مفاهیمی چون عقلانیت، فردگرایی، بوروکراتیزه‌شدن زیست، و تجاری‌شدن روابط اجتماعی، الگوهای فضایی خانه‌ها را نیز متحول ساختند. این مؤلفه‌ها تأثیر مستقیمی بر ساختار فضایی، روابط درون‌خانگی و عناصر کالبدی معماری مسکن بر جای گذاشتند.

با وجود اهمیت موضوع، اغلب پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون خانه‌های تاریخی، تمرکز خود را بر ویژگی‌های کالبدی، هنری و تزئینی این بناها معطوف کرده‌اند و کمتر به نحوه تأثیر سبک زندگی بر سازمان فضایی خانه‌ها پرداخته‌اند؛ درواقع، رابطه‌ی میان شیوه زیست مردمان گذشته و معماری خانه‌هایی که در آن می‌زیسته‌اند، هنوز به‌صورت عمیق و نظام‌مند بررسی نشده است؛ همچنین، در اغلب مطالعات، مدلی مفهومی و بومی که ابعاد سبک زندگی را مشخص کرده و نحوه تأثیرگذاری آن بر کالبد و عملکرد مسکن را تبیین نماید، ارائه نشده است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و میان‌رشته‌ای، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که چه مؤلفه‌ها و مفاهیمی بر سبک زندگی و به تبع آن، بر شکل‌گیری معماری خانه‌های ساخته‌شده در بافت تاریخی تأثیرگذار بوده‌اند. در این مسیر، هفت نمونه خانه تاریخی از دوره‌های قاجار، پهلوی اول و دوم در شهر تبریز به‌عنوان بستر مطالعاتی انتخاب شده‌اند. هدف اصلی، تحلیل تطبیقی سبک زندگی و سازمان فضایی این خانه‌ها به‌منظور ارائه مدلی مفهومی است که بتواند به درک دقیق‌تری از ارتباط بین فرهنگ زیست و معماری مسکن کمک کرده و در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با احیای بافت‌های تاریخی و طراحی معماری بومی‌گرا مورد استفاده قرار گیرد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع بنیادی و از نظر روش گردآوری داده‌ها کیفی محسوب می‌شود که طی آن به دنبال بررسی شناسایی مؤلفه‌ها و مفاهیم تأثیرگذار بر سبک زندگی و معماری خانه‌های ساخته شده در محلات بافت تاریخی تبریز هستیم. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل مفهومی، تلاش شده تا با نگاهی نظام‌مند و انتقادی، مفاهیم بنیادین سبک زندگی و مؤلفه‌های فرهنگی آن بازخوانی شود. این تحلیل، به دنبال آن است که فهمی روشن و ساختارمند از چگونگی پیوند میان سبک زندگی و معماری فراهم آورد. داده‌های موردنیاز به روش اسنادی از طریق کتابخانه‌ای و با مراجعه به سایت‌های اینترنتی، کتب و مجلات تخصصی داخلی و خارجی و همچنین مقالات معتبر، ادارات و سازمان‌هایی همچون شهرداری، سازمان میراث فرهنگی و... برای دستیابی به دیدگاه‌های نظری، شفاف‌شدن واقعیت اجتماعی و آگاهی از ادبیات پژوهش، از طریق فیش‌برداری و جمع‌آوری نقشه‌ها و اسناد معماری جمع‌آوری شده است. جامعه آماری اول مربوط به خانه‌های بافت تاریخی تبریز در دوره‌های قاجار، پهلوی اول و دوم بوده که طی آن، مطالعات شیوه زندگی افراد انجام گرفته و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است؛ از آنجایی که مطالعه تمامی این جامعه از نظر هزینه و زمان مقرون به صرفه نبوده و از نظر عملی نیز ممکن نیست؛ لذا نمونه‌هایی هدفمند از خانه‌های این منطقه از شهر تبریز براساس اطلاعات به دست آمده از اسناد شهرداری با استناد به آمار و عکس‌های هوایی وضعیت موجود و بر اساس تنوع زمانی، غنای فرهنگی - اجتماعی وضعیت کالبدی حفظ شده، دسترسی به منابع و امکان تحلیل انتخاب شده است. بر این اساس، نمونه‌گیری در این تحقیق نه با هدف تعمیم آماری، بلکه با هدف کشف عمیق مفاهیم، الگوهای معنادار و درک فرایندهای فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر معماری مسکونی انجام شده است.

جامعه آماری دوم مربوط به خبرگان و متخصصین دانشگاهی و مهندسين حوزه معماری، مسکن و شهرسازی است. با استفاده از مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری داده‌ها، یعنی مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، به مطالعه مفهوم سبک زندگی و مؤلفه‌های آن و همچنین کالبد معماری و محیط ساخته شده از دیدگاه خبرگان و متخصصینی که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، پرداخته شده است. مجموعه‌ای از ۱۷ سؤال مصاحبه (شامل ۳ سؤال جمعیت‌شناختی و ۱۴ سؤال محتوایی) طراحی شده است که در حین اجرای مصاحبه‌ها، متناسب با روند گفتگو و ضرورت‌های تحلیلی، مورد اصلاح، تکمیل یا تعدیل قرار می‌گیرد. این مصاحبه‌ها طی ۱۴ روز غیرپیاپی در شهر تبریز با ۱۴ نفر از خبرگان انجام شده است. در هر روز، یک مصاحبه به صورت حضوری انجام، با تلفن همراه ضبط، و بلافاصله در همان روز پیاده‌سازی و تحلیل اولیه‌ی آن همراه با یادداشت‌های میدانی و مشاهدات انجام شده است. این فرآیند تا زمان اشباع نظری؛ یعنی تا نقطه‌ای که در آن، مفاهیم و مقولات کلیدی تکرار شده و داده‌ی جدیدی حاصل نشده، ادامه پیدا کرده است.

جهت تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، از روش تحلیل مفهومی سه مرحله‌ای شوارتز - بارکات - کیم بهره گرفته شده است. این رویکرد تفسیری و مبتنی بر چهارچوب مفهومی، امکان کشف و تبیین عمیق مفاهیم پنهان و مؤلفه‌های بنیادین سبک زندگی را فراهم می‌سازد. تحلیل داده‌ها در سه مرحله‌ی متوالی انجام گرفته است.

مرحله نخست: کاوش و استخراج واحدهای معنایی اولیه

در این مرحله، متن مصاحبه‌ها به صورت کامل در نرم‌افزار Microsoft Word پیاده‌سازی شده و از دل متن‌ها، واحدهای معنایی متمایز استخراج گردیده و در مجموع، از بین ۶۰ معنا با در نظر گرفتن شباهت‌های معنایی و الگوهای مفهومی، تعداد ۱۴ واحد معنایی اولیه از مصاحبه‌ها به دست آمد.

مرحله دوم: کدگذاری اولیه

واحدهای معنایی با توجه به شباهت‌های محتوایی و الگوهای مفهومی، دسته‌بندی شده و ۱۴ کد اولیه ایجاد گردید. این کدها با بهره‌گیری از منطق تحلیل قیاسی - استقرایی و با اتکا بر ادبیات نظری تحقیق، تدوین شدند.

مرحله سوم: استخراج تم‌ها و مفاهیم مرکزی

در این مرحله، کدهای اولیه در قالب ۵ تم فرعی و نهایتاً ۵ تم اصلی سازمان‌دهی شدند. این تم‌ها نمایانگر ابعاد بنیادین دو حوزه‌ی مورد مطالعه هستند:

الف) مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سبک زندگی به‌عنوان متغیر مستقل

ب) مؤلفه‌های مؤثر بر کالبد معماری و سازمان فضایی خانه‌های تاریخی تبریز به‌عنوان متغیر وابسته

۳. ادبیات پژوهش (مبانی نظری / پیشینه پژوهش)

۱-۳ پیشینه پژوهش

مطالعه سبک زندگی و اثرات آن بر معماری مسکونی در بستر بافت تاریخی تبریز، به‌ویژه در دوره‌های قاجار و پهلوی، نیازمند نگاهی چندوجهی به تحولات فرهنگی، اجتماعی و کالبدی است. در ادامه، پیشینه پژوهش براساس سه محور اصلی: مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی، ویژگی‌های سبک زندگی، و تجلی آن در ساختار کالبدی خانه‌ها با رویکرد تحلیلی و تطبیقی نسبت به سبک زندگی و معماری مسکونی در بافت تاریخی تبریز (قاجار و پهلوی) ارائه می‌شود.

۱. مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی

در دوره قاجار، فضای مسکونی تابع ساختارهای اجتماعی مبتنی بر خانواده گسترده، نقش‌های جنسیتی سنتی و ارزش‌های دینی بود. این فضاها با تفکیک دقیق اندرونی و بیرونی، حفظ حریم، و فرم‌های سلسله‌مراتبی طراحی می‌شدند (Rapoport, 2005; Bianca, 2000). اما در دوره پهلوی اول، با تأثیرپذیری از گفتمان نوسازی و اصلاحات اجتماعی، ساختار خانواده و نظام‌های فرهنگی در حال دگرگونی قرار گرفت. (Keddie, 2003) این تحولات در پهلوی دوم به اوج خود رسید و با گسترش رسانه‌ها، نقش زنان در جامعه و ظهور طبقه متوسط، فرهنگ مصرف‌گرایی و فردگرایی بر فضاهای مسکونی تأثیر گذاشت (Dovey, 2010; Abrahamian, 2008).

۲. سبک زندگی

سبک زندگی، به‌عنوان بازتابی از الگوهای رفتاری، ترجیحات زیستی و نظام‌های ارزشی، بر ساختار فضایی خانه‌ها نقش بنیادین دارد. در قاجار، سبک زندگی آیینی و سنت محور، موجب شکل‌گیری فضاهایی نظیر ایوان، شاه‌نشین و حیاط مرکزی شد که پاسخگوی نیازهای رفتاری و آیینی خانواده‌ها بودند (پیرنیا، ۱۳۸۱؛ Safari, 202). در پهلوی اول، سبک زندگی عملکردگرا و مدرن‌تر، سازمان فضایی جدیدی را طلب می‌کرد که در آن فضاهای مثل سالن ناهارخوری، اتاق مطالعه و آشپزخانه مدرن پدید آمد (گلزار، ۱۴۰۲). در دوره پهلوی دوم، با رشد فردگرایی و مدرنیته، طراحی خانه‌ها به سمت سادگی، پلان باز، نور طبیعی بیشتر و کاهش فضاهای آیینی گرایش پیدا کرد. (Evans, 2012)

۳. ویژگی‌های کالبدی

ویژگی‌های کالبدی خانه‌ها در این سه دوره بازتابی از تغییر سبک زندگی اند. در خانه‌های قاجاری تبریز، اُرسی‌های چوبی، پنجره‌های مشبک، فضاهای پیرامون حیاط مرکزی، سردرهای تزئینی و سلسله‌مراتب فضایی، عناصر شاخص بودند (مدهوشیان‌نژاد و عسکری‌الموتی، ۱۴۰۳)؛ اما در دوره پهلوی اول، مصالح مدرن‌تر، فرم‌های ساده‌تر و حذف برخی تزئینات سنتی مشاهده می‌شود (وحدت‌طلب و همکاران، ۱۳۹۹). در پهلوی دوم، تأثیر سبک بین‌المللی با فرم‌های مکعبی، پنجره‌های عریض، و استفاده از بتن و

فلز آشکار است (سرداری و همکاران، ۱۴۰۲؛ Wright, 1981).

بررسی تطبیقی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی، سبک زندگی و ساختار کالبدی خانه‌ها در تبریز، به‌ویژه در دوره‌های قاجار و پهلوی، به‌صورت پیوسته در حال تأثیرگذاری متقابل بوده‌اند. خانه‌ها در هر دوره، نه تنها پاسخی به نیازهای عملکردی بلکه بازتابی از گفتمان فرهنگی زمان خود بوده‌اند.

جدول ۱: تطبیق و تحلیل پیشینه پژوهش معماری مسکونی در بافت تاریخی تبریز

محور تحلیل	دوره قاجار	پهلوی اول	پهلوی دوم
ساختار خانواده	گسترده و چندنسلی	هسته‌ای با گرایش به کوچکی	کوچک و فردمحور
نقش جنسیتی	سنتی و سلسله‌مراتبی	در حال گذار (آموزش دختران، حضور اجتماعی زنان)	نقش برابرتر زنان و مردان
مناسبات آیینی	محوری و مقدس	کاهش آیین محوری	کمرنگ شدن آیین‌ها
تعاملات اجتماعی	درون‌خانوادگی و قومی	آشنایی با طبقات جدید، ظهور روابط رسمی	فردگرایانه، برون‌گرا
الگوهای زیستی	گروهی و آیینی	شبه‌مدرن، ترکیبی	مصرف‌گرایانه، تجمل‌گرا
نوع مصرف فضا	تفکیک‌شده و سلسله‌مراتبی	کارکردگرایانه با فضاهای جدید	ادغام فضاها، پلان باز
سازمان فضایی	درون‌گرا، حیاط مرکزی، اندرونی-بیرونی	کاهش سلسله‌مراتب، پلان عملکردی‌تر	پلان آزاد، حذف حیاط مرکزی
مصالح و تزئینات	چوب، گچ‌بری، شیشه‌های رنگی	سیمان، آجر ساده، حذف تزئینات سنتی	بتن، فلز، نمای ساده مدرن
الگوهای نورگیری	نور غیرمستقیم از حیاط	افزایش نور طبیعی از پنجره‌ها	نور مستقیم، پنجره‌های سرتاسر

منابع: نگارندگان برگرفته از منابع (Dovey, 2010. Abrahamian, 2008. Keddie, 2003. Rapoport, 2005. Bianca, 2000. Wright, 1981. Evans, 2012. Safari, 2022. ۱۴۰۲. وحدت‌طلب و همکاران، ۱۳۹۹. پیرنیا، ۱۳۸۱. سرداری و همکاران، ۱۴۰۲. مدهوشیان‌نژاد و عسکری‌الموتی، ۱۴۰۳).

جدول شماره ۱ با رویکردی تطبیقی، به بررسی تحولات معماری مسکونی در بافت تاریخی شهر تبریز طی سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی اول و پهلوی دوم می‌پردازد. این تحلیل در سه محور اصلی شامل مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی، سبک زندگی و ویژگی‌های کالبدی سازمان‌یافته است. نتایج حاصل از این مقایسه به‌روشنی نشان می‌دهد که دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در هر دوره، تأثیری مستقیم و ملموس بر فرم، عملکرد و سازمان فضایی خانه‌های شهری برجای گذاشته‌اند.

۲-۳ مبانی نظری پژوهش

فرهنگ و معماری

باتوجه به تحقیقات انجام شده فرهنگ از جمله عوامل اولیه، تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر شکل خانه، در شکل مسکن قرار می‌گیرد. الگوهای شکلی مختلفی از خانه، در نواحی دارای شرایط مشابه دارای وضعیت اقتصادی، اقلیم و تکنولوژی ساخت یکسان، به دلیل تفاوت فرهنگی آن نواحی وجود دارد (Kline, 2010). (ساختن خانه، یک پدیده فرهنگی است، شکل خانه (فرم کالبدی و همچنین، سازمان فضایی مربوط به آن)، شدیداً تحت تأثیر محیط فرهنگی قرار دارد. (Donaldson, 1969). از نظر اینگلهارت فرهنگ، نظامی، از نگرش‌ها، ارزش‌ها بوده و دانشی است که به طرز گسترده در میان مردم مشترک می‌باشد که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌گردد. کلودلوی استراس معتقد است که فرهنگ نظام‌های معنا و همچنین، درک مشترک است (ذکایی، ۱۳۹۶).

عوامل فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری فضای معماری ایرانی و اسلامی هر بنا به‌عنوان جزئی از فرهنگ معماری محسوب شده و عینیت‌بخشیدن به یک اندیشه (ذهنیت) است؛ لذا هر ساختمان خود یک شاهد فرهنگی است (حیرت، ۱۳۹۳: ۳۷۳). در شکل‌گیری فضاهای مسکونی، معمولاً دودسته عامل اصلی تأثیرگذار هستند: نخست، ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار در تاریخ و تمدن ایرانی، و دوم، باورهای دینی و اعتقادی. در خلق فضای زیستی، انسان ابتدا به جنبه‌های عملکردی و مادی آن می‌اندیشد، اما در ادامه، جنبه‌های معنایی، زیبایی‌شناسی و حتی روح‌انگیز فضا برایش اهمیت می‌یابد. این ترکیب از کارکرد و معناست که به خانه شخصیت می‌بخشد. سکونت و سبک زندگی

سبک زندگی، مفهومی است با لایه‌های فردی و اجتماعی. درحالی‌که از دیدگاه روان‌شناسی، هر فرد می‌تواند سبک خاص خود را داشته باشد، نظریه‌پردازانی مانند زیمل، وبر، بوردیو و گیدنز، سبک زندگی را نوعی زبان نمادین می‌دانند؛ زبانی که از طریق آن، افراد موقعیت اجتماعی، هویت فرهنگی و حتی نظام باورهای خود را به نمایش می‌گذارند. از نظر بوردیو، سبک زندگی بازتابی است از جایگاه افراد در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و مصرف فرهنگی را ابزاری برای بازتولید سرمایه‌های نمادین و فرهنگی می‌داند (فکوهی، ۱۳۸۷؛ فاضلی، ۱۳۹۱).

سبک زندگی را به معنی «مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و مصرفی، آداب و رسوم انفرادی و یا جمعی برآمده از نظام اجتماعی دانست که از یک فرهنگ بخصوص به وجود می‌آید که در طی زمان نیز می‌تواند مورد تغییر و تحول قرار گرفته و باعث تغییر در ترجیحات شود»؛ لذا اگرچه سبک زندگی در ابتدای خود می‌تواند امری فردی و شخصی به حساب آید که بر اساس انتخابات و ترجیحات شخصی شکل می‌گیرد؛ ولی در مرحله پیشرفته‌تر و عمومی شدن آن نمی‌توانیم که بدون توجه به ویژگی‌ها و تحولات فرهنگی و اجتماعی آن را بررسی نماییم؛ لذا وابستگی و پیوستگی خاصی با سایر عوامل در سطح خرد و کلان نیز خواهد داشت که تا حدود زیادی، از حیطه کنترل دولت‌ها نیز خارج است.

وجه عینی سبک زندگی، واقعیات زندگی اجتماعی افراد را شامل می‌شود و وجه ترجیحی سبک زندگی نیز همان ابعاد ذهنی افراد، یعنی ترجیحات، خواسته‌ها و انتظارات آنها است که در زندگی روزمره همراهی‌شان می‌نماید. در هر دو وجه برشمرده نیز، ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی تحت‌عنوانین: عوامل اجتماعی، ارزشی، آیینی، مصرفی و تولیدی، فردی و خانوادگی، عوامل اقتصادی و نهایتاً فرهنگی می‌توان در نظر گرفت. ضمن اینکه در تمامی این ابعاد، نقش رسانه‌ها و همچنین سطح تکنولوژی و فناوری اطلاعات و عرفی‌گرایی دینی نیز پوشیده و مستتر است که در سیر تحولات و تغییرات آنها مؤثر بوده‌اند؛ لذا عوامل و مؤلفه‌های اصلی و تأثیرگذار بر سبک زندگی را می‌توان به مؤلفه‌هایی همچون: الگوهای رفتاری؛ مصرف؛ ارزش‌ها و هنجارها؛ عادات و رسوم زندگی؛ ترجیحات؛ کنش‌های اجتماعی؛ تکنولوژی و فناوری‌ها؛ رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی؛ و نهایتاً عرفی‌گرایی دینی تقسیم نمود.

هرچند که مفهوم سبک زندگی، عمدتاً مفهومی جامعه‌شناختی دارد؛ ولی در دوران معاصر و از منظر فرهنگ مصرفی، معنایی ضمنی نیز گرفته است که برابر با فردیت و ابراز خویشتن است که نهایتاً نوعی خودآگاهی متکی بر سبک و شیوه پیدا نموده است (بردیو، ۱۹۸۳). درباره رابطه مصرف و سبک زندگی، فاضلی (۱۳۸۲)، عرصه‌هایی نیز برای سبک زندگی در نظر گرفته است که به ترتیب عبارت‌اند از: الف - مصرف فرهنگی و رسانه‌ای؛ ب - نحوه گذراندن اوقات فراغت (به‌صورت فعال و یا غیرفعال)؛ پ - مصارف مادی؛ ت - رفتارهای زیست‌محیطی؛ ث - رفتارهای بهداشتی و یا غیربهداشتی. براساس مطالعات انجام شده و تحقیقات بیان شده مؤلفه‌های سبک زندگی، فرهنگ، سیاست، عوامل اجتماعی، اقتصادی، جغرافیا، طبیعت و محیط‌زیست در جدول (۲) خلاصه می‌شود.

جدول ۲: مؤلفه‌های سبک زندگی، فرهنگ، سیاست، عوامل اجتماعی، اقتصادی، جغرافیا، طبیعت و محیط زیست

سبک زندگی	در نهایت، آنچه سبک زندگی را قابل مشاهده می‌سازد، انتخاب‌ها و رفتارهای روزمره ماست: از نوع غذا، پوشش، طراحی خانه و وسایل آن گرفته تا نحوه تعامل با فرزندان، تربیت آن‌ها، نحوه استفاده از فناوری، نگرش به کار و حتی آداب معاشرت. این عناصر نه تنها بازتابی از ذوق و سلیقه فردی‌اند؛ بلکه در کنار یکدیگر، نمایی روشن از فرهنگ زندگی یک جامعه را ترسیم می‌کنند.
عوامل اجتماعی	ساختار قدرت، طبقه اجتماعی (طبقه اعیان و عام، زن و مرد، فضاهای مشترک و جدا برای آن‌ها، درواقع خانه‌های طبقات اعیان، متوسط و فقیرنشین به چه صورت بوده است)، جنسیت و هنجارهای اجتماعی، زندگی اجتماعی خویشاوندی که شامل روابط با خویشاوندان و بنیان خانواده می‌گردد و دیگری زندگی اجتماعی عمومی که شبکه‌های اجتماعی، نهادها و نظایر آن را در بر می‌گیرد.
فرهنگ	ورود فرهنگ غرب و بازانندیشی در هنجارهای سنتی، باورهای آیینی، حجاب و پوشش زنان، وضعیت آموزش، فرهنگ مادی همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته شده و شیوه‌ها و فرایندهای ساخت‌وساز آن‌ها و فرهنگ معنوی یا غیرمادی شامل ارزش‌ها، باورها، اندیشه‌ها، دانش و فن‌ها، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه، ادبیات، هنر و همه فراورده‌های ذهنی انسان.
عوامل اقتصادی	عوامل اقتصادی شامل شیوه معیشت و منطقه جغرافیایی، اهمیت اقتصادی زمین، کوچک‌شدن ابعاد خانه، کاهش نقش اقتصادی معیشتی خانه، موقعیت اقتصادی
جغرافیا	اقلیم (گرمسیری، معتدل، سردسیری، زلزله، سیل)، قرارگیری در کنار سایر بناهای مجموعه زیستی
طبیعت و محیط‌زیست	وجود رودخانه، درختان خاص، گیاهان، حیات وحش، سنگ‌ها
عوامل سیاسی	شرکت در گروه‌های سیاسی خاص، نوشتن مطالب سیاسی، افزایش رشد جمعیت به دلیل مسائل سیاسی، تحولات سیاسی (مانند انقلاب مشروطه، برکناری رضاخان، ...)

منابع: نگارندگان برگرفته از منابع (اباذری، ۱۳۸۱. بوردیو، ۱۳۹۱. راپوپورت، ۱۳۹۲. فاضلی، ۱۳۸۲. فکوهی، ۱۳۸۷. مهدوی کتی، ۱۳۷۶ و Adler, A. 1929. (Bourdieu, P. 1984).

جدول ۲ نشان می‌دهد که سبک زندگی، مفهومی چندبعدی و پویا است که درون بستری از عوامل درهم‌تنیده شکل می‌گیرد. معماری خانه‌های تاریخی نیز نه صرفاً نتیجه نیازهای عملکردی، بلکه بازتابی عمیق از این بسترهای متنوع فرهنگی و اجتماعی بوده است. بر این اساس، شناخت دقیق این مؤلفه‌ها می‌تواند، به درک ژرف‌تری از ارتباط میان زیست‌جهان انسان و کالبد معماری بیانجامد و بنیانی برای بازآفرینی فرهنگی فضاهای مسکونی فراهم سازد.

خانه‌ها در بافت تاریخی تبریز

بافت تاریخی تبریز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های معماری شهری ایران، گویای تعامل میان ساختار کالبدی، نظام اجتماعی و سبک زندگی ساکنان در دوره‌های مختلف تاریخی است.

شهر تبریز زمانی که ولیعهدنشین قاجاریان بود، به ۲۰ محله اصلی تقسیم شده بود که برخی از این محله‌ها خودشان نیز به چندین محله کوچک‌تر تقسیم می‌شدند. این شهر تا سال ۱۲۶۹ خورشیدی، پرجمعیت‌ترین شهر ایران و بزرگ‌تر از تهران بود. نقشه ۲۰ محله اصلی تبریز در سال ۱۲۵۹ خورشیدی را می‌توان در شکل (۱) مشاهده نمود.



شکل ۱: بیست محله اصلی شهر تبریز در سال ۱۲۵۹ خورشیدی.

ساختار محلات و خانه‌ها:

محلاتی چون نوبر، چرنداب، سرخاب، مقصودیه و شتریان از جمله بافت‌های کهن تبریز هستند. ساختار محله‌ها شامل اجزایی چون: میدانچه، مسجد، حمام، بازارچه محلی و خانه‌های پیرامونی را شامل می‌شدند. اصول شکل‌گیری محلات بر پایه پیوندهای خویشاوندی، مذهبی صنفی بود. خانه‌های امیرنظام گروسی، مشروطه، بهنام، گنج‌ای زاده، اردوبادی، ستارخان، شهریار که به‌طور هدفمند از محله‌های بافت تاریخی تبریز انتخاب شده است. (پاکزاد، ۱۳۸۶). در جدول ۳ نمونه خانه‌هایی که در بعد کالبد معماری در مصاحبه‌ها مطرح شده‌اند، آورده شده است.

جدول ۳: جدول تطبیقی کالبدی و فضایی خانه‌های تاریخی تبریز

نام خانه	امیرنظام گروسی	مشروطه	بهنام	گنج‌های زاده	خانه اردوبادی	خانه ستارخان	خانه شهریار
پلان							
تاریخ ساخت	اوایل قاجاریه	اواخر قاجار	زندیه - قاجار	قاجار - پهلوی اول	پهلوی اول	اوایل پهلوی دوم	پهلوی دوم
دوره	دوره قاجار				دوره پهلوی		
سلسله‌مراتب فضایی حیاط و بنا و پله با تاکید بر محوریت							
سازمان فضایی	اندرونی و بیرونی، سازمان فضایی	سازمان فضایی	حیاط مرکزی،	ساختار متقارن،	فرم معماری خانه	حیاط‌های	محور خطی با

اتاق‌های چپ و راست ترکیب فضای فرهنگی و سکونت	اندرونی و بیرونی، پلان مستطیل شکل در سه جبهه از حیاط	کلاه‌فرنگی، ایوان و پله‌های مرکزی،	تمرکز فضاها در اطراف حیاط مرکزی، پلان L شکل، ساختار نیمه‌خصوصی - عمومی	تفکیک فضایی دقیق ساختار درون‌گرا، پلان U شکل، ایوان بلند مرکزی	نیمه‌متمرکز پلکان در وسط پلان، محور تقارن اتاق شاه‌نشین	دو حیاط پلکان مرکزی، پلان L شکل	
عرفی گرایی دینی - آیینی و باورها	فضای خاص پذیرایی علما و رجال، نماد تمایل به تشیع قاجاری	کم‌تأثیر از نمادهای آیینی	استفاده محدود از تزیینات دینی، فضای آیینی ضعیف	اتاق آیینی برای خانواده	فضایی برای اجتماعات دینی - سیاسی مشروطه‌خواهان	عرفی گرایی دینی - آیینی و باورها	
ارزش‌های اجتماعی	نمایانگر منزلت اجتماعی بالا	پایگاه سیاسی با نقش اجتماعی برجسته	اعیان‌نشین، احترام به میهمان‌نوازی و خانواده	همنشینی‌های فرهنگی - اجتماعی	خانواده فرهنگی با تعامل اجتماعی	ارزش‌های ملی	چهره فرهنگی بااصالت مردمی
الگوی نظام فعالیت	فعالیت رسمی، مراسم سیاسی و اجتماعی	محل نشست سیاسی، انجمن و مجالس مشروطه	استفاده خانوادگی	سکونتی	سکونتی، زیست نیمه اشرافی	اقامت و محل جلسات انقلابی	سکونت، شعر، فرهنگ
ویژگی‌های اقلیمی	ضخامت دیوار، حیاط مرکزی، آجرکاری	تهویه طبیعی، نورگیری از حیاط و بازشوها	دیوارهای قطور، پنجره ارسی، استفاده از نور طبیعی	ایوان بلند برای تهویه طبیعی	آجرکاری و پنجره در سه جهت نما	منطبق با اقلیم تبریز با پنجره‌های مشبک	استفاده از نور طبیعی حیاط
سنتی - مدرن	سنتی با رگه‌هایی از مدرن قاجاری	سنتی باروخ مدرنیسم سیاسی	سنتی با ویژگی‌های قاجاری	سنتی با تمایل به سادگی	گذار به نیمه مدرن	سنتی با چرخش به کاربرد مردمی	سنتی - فرهنگی
ویژگی‌های بارز کالبدی	حوض خانه‌ای وسیع ستون‌های سنگی در آن، طاقه‌ای آجرکاری، پنجره‌های ارسی	پنجره ارسی با پنجره‌های مشبک و شیشه‌های الوان، در چوبی عظیم	تنوع در ابعاد اتاق ضمن رعایت تقارن در نما، سقف چوبی، گچ‌بری، ارسی رنگی	پلکان‌تر وسط پلان، حوض خانه و ارسی	بنادر وسط حیاط به صورت مرکزی با آجرکاری ساده	اتاق‌های گسترده با پلان گردشی	مبلان ساده و تابلوهای اشعار شهریار

منابع: نگارندگان برگرفته از منابع (ولیزاده‌اوغانی، ۱۴۰۲، میرزایی، ۱۴۰۱، صداقتی، پیر بابایی، نوریان، ۱۴۰۰، صفری‌اصل، ۱۴۰۱، محمودی، ۱۳۹۸، مظفری، ۱۴۰۰).

مطالعه تطبیقی خانه‌های تاریخی منتخب در تبریز گویای آن است که معماری مسکونی این شهر در گذر از دوره قاجار تا پهلوی دوم، متأثر از تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی، روندی تکاملی و در عین حال متمایز را طی کرده است. این خانه‌ها نه تنها بازتابی از الگوهای سکونت‌اند، بلکه حامل رمزگان‌های فرهنگی و سبک‌های زیستی‌اند که از ساختار اجتماعی، سلسله‌مراتب خانوادگی، عرف‌گرایی مذهبی، نقش‌های جنسیتی و شیوه‌های معیشتی نشأت گرفته‌اند. در نمونه‌هایی از دوره قاجار مانند خانه‌های امیرنظام گروسی، بهنام و مشروطه، فرم سازمان فضایی به صورت درون‌گرا، با تمرکز بر حیاط مرکزی و تفکیک آشکار فضاها از اندرونی و بیرونی شکل گرفته است؛ الگویی که در پاسخ به شرایط اقلیمی سرد تبریز و نیز ساختار خانوادگی گسترده و باورهای مذهبی آن دوره معنا می‌یابد.

در مقابل، خانه‌های دوره پهلوی مانند ستارخان و شهریار نشان‌دهنده گذار به سوی پلان‌های بازتر، تقارن کمتر و تنوع عملکردی بیشتر هستند که بیانگر تغییر در سبک زندگی، افزایش تمایل به برون‌گرایی و ظهور ارزش‌های فردمحور در فضای زیست خانوادگی است. در این میان، جلوه‌های عرف‌گرایی دینی و عناصر آیینی در برخی خانه‌ها مانند مشروطه و امیرنظام، به‌ویژه در فضاهای مربوط به پذیرایی از علما، مجالس مذهبی و اجتماعات سیاسی، نقش مهمی در معنا بخشی به معماری ایفا کرده‌اند؛ درحالی‌که در نمونه‌هایی چون خانه اردوبادی و ستارخان، این نمودها کاهش یافته و خانه بیشتر در خدمت نیازهای عرفی، مردمی و روزمره قرار گرفته است.

از منظر اجتماعی، معماری این خانه‌ها آینه‌ای از منزلت صاحبان آن‌ها بوده است. خانه‌هایی نظیر بهنام و مشروطه با فضاسازی‌های رسمی‌تر و مجزا، به طبقات اعیانی و سیاسی تعلق دارند، درحالی‌که خانه شهریار، با چهره‌ای مردمی و فرهنگی، ارزش‌های مرتبط با هنر، ادبیات و زیست ساده اما عمیق را برجسته می‌سازد. همچنین کاربری فضاها نیز در گذر زمان تغییر یافته است: از خانه‌هایی با نقش سیاسی و آیینی در دوره قاجار (مانند خانه مشروطه) تا سکونتگاه‌هایی با رویکرد فرهنگی و فردی‌تر در دوره پهلوی دوم (مانند خانه شهریار). این دگرگونی بیانگر رشد فردگرایی و برجسته‌شدن سوژه انسانی در تجربه سکونت است. با وجود این تحولات، عناصر سازگار با اقلیم در تمامی دوره‌ها حضوری پررنگ دارند. ویژگی‌هایی نظیر دیوارهای ضخیم، حیاط مرکزی، نورگیری غیرمستقیم، ارسی‌های رنگی و حوض‌خانه‌ها، نشانه‌هایی از هوشمندی معمارانه در مواجهه با اقلیم سرد و خشک تبریز هستند که در خانه‌های متأخرتر با ساده‌سازی تزئینات و ترکیب با عناصر مدرن، صورت‌بندی تازه‌ای یافته‌اند. در مجموع، خانه‌های تاریخی تبریز را می‌توان همچون روایتی فضایی از تحولات سبک زندگی در این شهر دانست؛ روایتی که از خانواده‌های گسترده، آیینی و سیاسی به سوی زیست فردی، فرهنگی و شاعرانه حرکت کرده و در کالبد معماری تجسم یافته است. این پیوستار نشان می‌دهد که معماری مسکن، فراتر از عملکرد فیزیکی، بازتابی از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر دوره تاریخی است.

۴. یافته‌ها

برای انجام تحلیل تماتیک از چارچوب شش مرحله‌ای (برآون و کلارک^۲، ۲۰۰۶) استفاده گردید. بعد از انجام مرحله اول و ورود به مرحله دوم، کدهای اولیه این پژوهش تولید گردید که جدول (۴) آن‌را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تولید کدهای اولیه از عبارات معنایی مستخرج از مصاحبه با خبرگان

عبارات معنایی	کد اولیه (مفهوم)
سطح و نوع باورهای اعتقادی و دینی می‌تواند که سبک زندگی خانگی را تعیین نماید	نوع عرف‌گرایی دینی
سطح ایدئال و انتظارات افراد در تعیین سبک زندگی خانگی مؤثر است	بهبود عوامل ارزشی
تصاویر و طرح‌واره‌های فرهنگی در سبک زندگی خانه مؤثر است	بهبود عوامل فرهنگی
نظام خویشاوندی گسترده و یا محدود سبک زندگی افراد را مشخص می‌کند	نوع تعاملات اجتماعی
ساختار و بعد خانواده در نوع سبک زندگی تأثیرگذار است	عوامل فردی - خانوادگی
منزلت و هویت افراد در جامعه در تعیین سبک زندگی انسان‌ها مؤثر است	نوع تعاملات اجتماعی
نیازهای زیستی و اقتصادی افراد، زمینه‌ساز تعیین سبک زندگی و تحولات آن را فراهم می‌سازد	بهبود و نوع عوامل اقتصادی
نوع انتظارات و خواسته‌های فردی و یا جمعی بر سبک زندگی افراد تأثیرگذار است	بهبود عوامل ارزشی
وضعیت اقتصادی و درآمدی افراد در نوع کالبد و معماری خانه‌ها تأثیرگذار است.	عوامل اقتصادی
نوع تکنولوژی و سطح فناوری‌ها کالبد معماری و محیط‌های ساخته شده خانه‌ها را تعیین می‌کنند.	بهبود تکنولوژیک

نوع اقلیم و شرایط جغرافیایی، نوع کالبد و معماری خانه‌ها را تعیین می‌نماید.	شرایط اقلیمی و جغرافیایی
سازمان فضایی، کالبد معماری خانه‌ها را رقم می‌زند	بهبود سازمان فضایی
تمایل به تغییر قلمرو فضایی، معماری خانه‌ها را با تغییر مواجه می‌سازد	تغییرات قلمرو فضایی
قرارگاه‌های رفتار در تعیین نوع معماری و کالبد خانه‌ها اثر دارد.	اصلاح قرارگاه‌های رفتاری

مرحله بعدی، مرحله جستجوی تم‌ها، کنکاش برای یافتن تم‌هایی فرعی است که یک یا دسته‌ای از مفاهیم استخراجی را در بر گیرد؛ سپس یافتن تم‌های اصلی که یک یا چند تم فرعی را پوشش دهد. در پژوهش انجام شده، برخی از مفاهیم بررسی شده به‌وضوح در یک تم قرار گرفتند؛ به‌عنوان مثال، چندین مفهوم کد وجود داشت که به توسعه فردی مرتبط بود، آنها در یک تم اولیه به نام توسعه فردی تجمیع گردیدند که در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول ۵: تم‌های اولیه و فرعی استخراجی

ردیف	نوع سبک/ کالبد	مفهوم (کد اولیه)	تم‌های فرعی
۱	سبک زندگی	نوع عرف‌گرایی دینی	فرهنگ زندگی در خانه
۲		بهبود عوامل ارزشی	
۳		بهبود عوامل فرهنگی	
۴		نوع تعاملات اجتماعی	تعاملات اجتماعی
۵		عوامل فردی - خانوادگی	
۶		نوع تعاملات اجتماعی	الگوی نظام فعالیت
۷		بهبود و نوع عوامل اقتصادی	
۸		بهبود عوامل ارزشی	
۹	کالبد معماری	عوامل اقتصادی	عوامل خارجی
۱۰		بهبود تکنولوژیک	
۱۱		شرایط اقلیمی و جغرافیایی	
۱۲		بهبود سازمان فضایی	فضای معماری خانه (عوامل داخلی)
۱۳		تغییرات قلمرو فضایی	
۱۴		اصلاح قرارگاه‌های رفتاری	

در مرحله چهارم این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا تم‌های فرعی ایجاد شده به‌خوبی مفاهیم تحت شمول خود را پوشش می‌دهند یا خیر و اینکه آیا تم‌های اصلی مناسب قیومیت تم‌های فرعی تحت شمول خود هستند یا نه؟ لذا در این مرحله، تم‌های اولیه را که در مرحله سوم شناسایی شد بررسی و اصلاح می‌گردند و توسعه داده می‌شوند. بعد از اتمام مرحله پنجم و اصلاح موارد مورد نیاز، وارد مرحله نگارش و تحلیل نهایی می‌شویم. این مرحله نگارش گزارش نهایی حاصل از تحلیل تماتیک و ارائه یافته‌ها را شامل می‌شود. به‌طورکلی، اطلاعات به‌دست آمده از تحلیل تماتیک مبین آن است که مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر سبک زندگی از تعداد ۸ مفهوم اولیه در ۳ تم فرعی و ۳ تم و مؤلفه اصلی ایجاد گردیده است که در جدول (۶) نشان داده شده است. به‌طور مشابه عوامل تأثیرگذار بر کالبد معماری خانه‌های ساخته شده نیز از ۶ مفهوم اولیه در ۲ تم فرعی و ۲ تم و مؤلفه اصلی تشکیل شده

است.

جدول ۶: مولفه‌ها و مفاهیم تاثیرگذار بر سبک زندگی و معماری خانه‌های ساخته‌شده

ردیف	نوع سبک/ کالبد	مفهوم (کد اولیه)	تم‌های فرعی	مولفه و بعد اصلی
۱	سبک زندگی	نوع عرف‌گرایی دینی؛ بهبود عوامل ارزشی؛ بهبود عوامل فرهنگی	فرهنگ زندگی در خانه	عوامل فرهنگی
۲				
۳				
۴				
۵		نوع تعاملات اجتماعی؛ عوامل فردی - خانوادگی؛ نوع تعاملات اجتماعی	تعاملات اجتماعی	عوامل اجتماعی
۶				
۷				
۸				
۹	کالبد معماری خانه‌ها	عوامل اقتصادی؛ بهبود تکنولوژیکی؛ شرایط اقلیمی و جغرافیایی	عوامل کلیدی	عوامل خارجی
۱۰				
۱۱				
۱۲		بهبود سازمان فضایی، تغییرات قلمرو فضایی؛ اصلاح قرارگاه‌های رفتاری	فضای معماری خانه (عوامل عملکردی)	عوامل داخلی
۱۳				
۱۴				

لذا باتوجه به نتایج به دست آمده از بخش کیفی تحقیق و نظر به ارتباط میان متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، مدل نهایی پژوهش می‌تواند، مجموعاً مشتمل بر ۵ بعد و ۵ مولفه و ۱۴ شاخص باشد. (جدول ۶).

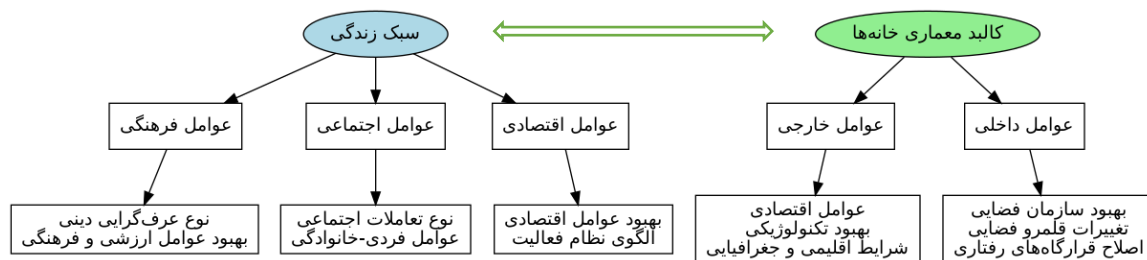
۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر شناسایی و تحلیل مولفه‌های مؤثر بر سبک زندگی و معماری خانه‌های واقع در بافت تاریخی تبریز، تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل مفهومی سه مرحله‌ای، پیوند میان ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را در شکل‌گیری الگوهای سکونت شهری تبیین کند. یافته‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان حوزه معماری، جامعه‌شناسی شهری و تاریخ، نشان می‌دهد که سبک زندگی ساکنان در سطوح گوناگون فرهنگی و آیینی، ساختار خانوادگی، نقش‌های جنسیتی، الگوهای معیشتی و نوع مصرف، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در سازمان فضایی خانه‌ها، نحوه چیدمان، مصالح و کارکردهای فضایی بازتاب یافته است.

تحلیل کالبدی خانه‌ها نیز بیانگر آن است که عواملی چون سلسله مراتب فضا، تفکیک حوزه‌های خصوصی و عمومی، درون‌گرایی یا برون‌گرایی پلان، نورگیری و نوع تزیینات، نه تنها واکنشی به الزامات اقلیمی و فناوری ساخت بوده‌اند؛ بلکه بازتابی از ارزش‌های زیسته و کنش‌های اجتماعی ساکنان به شمار می‌آیند. در این میان، کالبد خانه صرفاً به منزله ظرفی بی‌جان تلقی نمی‌شود، بلکه عنصری کنش‌گر است که در بازتولید یا تغییر سبک زندگی نقش ایفا می‌کند.

مدل مفهومی طراحی شده در این پژوهش، تصویری نظام‌مند از روابط دوسویه میان مولفه‌های سبک زندگی و عناصر کالبدی ارائه می‌دهد و در پنج بُعد اصلی و چهارده شاخص سامان یافته است. این مدل می‌تواند ابزاری تحلیلی برای طراحان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در فرآیند طراحی و بازآفرینی بافت‌های تاریخی باشد؛ به‌ویژه هنگامی که هدف، حفظ هویت فرهنگی و انطباق با

زیست جهان ساکنان باشد. با وجود جامعیت نسبی مدل، این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است؛ ازجمله تمرکز جغرافیایی بر تبریز، کمبود اسناد دقیق برای برخی خانه‌ها، و تفسیرپذیری ذاتی تحلیل کیفی. با توجه به این محدودیت‌ها، انجام مطالعات تطبیقی در دیگر بافت‌های تاریخی ایران، به‌کارگیری روش‌های مردم‌نگارانه برای شناخت عمیق‌تر زیست جهان معاصر، تحلیل نقش سیاست‌های شهری در تثبیت یا تغییر سبک زندگی، و گسترش کاربرد مدل به دیگر گونه‌های معماری می‌تواند، چشم‌اندازهای تازه‌ای برای پژوهش‌های آتی در این حوزه فراهم سازد.



شکل ۲: دیاگرام مدل نهایی

پی‌نوشت:

1. Schwartz-Barcott & Kim, 2000
2. Braun & Clarke, 2006

منابع

- اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، (۲۰)، ۲۰.
- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوی‌گدنه، عباس. (۱۳۸۹). سبک زندگی جوانان: بررسی جامعه‌شناختی سبک زندگی و مولفه‌های آن در بین دختران و پسران شهر بابل. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۸(۱)، ۱۳۵-۱۶۰. <https://sid.ir/paper/118095/fa>
- ازکیا، مصطفی و حسینی‌رودبارکی، سکینه. (۱۳۸۹). تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۷)، ۳۷.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۱). معماری معاصر ایران. تهران: نشر هنر معماری قرن.
- جاری نابی رعنا، رضایی باعته. بررسی دیدگاه اعضای شورای شهر تبریز در مورد بهسازی و بازسازی بافت محله مقصودیه شهر تبریز بر مبنای روش سروکوال. عنوان نشریه. ۱۳۹۳؛ ۱۳ (۳۵): ۴۲-۳۳. URL: <http://ijurm.imo.org.ir/article-۴۲-۳۳>
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۹۱). سبک زندگی و مطالعات راهبردی. الگوهای سبک زندگی ایرانیان (چاپ دوم، صص. ۷-۱۴). تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- حائری، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. دفتر معماری و طراحی شهری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری حسینی، محمدحسین، ذکایی، محمدسعید، طالبی، ابوتراب، و انتظاری، علی. (۱۳۹۶). مفهوم سازی سبک زندگی فرهنگی. جامعه پژوهی فرهنگی، ۸(۱)، ۲۳-۴۵. SID. <https://sid.ir/paper/241282/fa>
- حیرت، عاطفه، فاتحی‌زاده، مریم السادات، احمدی، سیداحمد، بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه سبک زندگی زوجین با رویکرد اسلامی؛ یک مطالعه ترکیبی فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۵(۱۷)، ۱۷۳-۱۴۹. doi: 10.22054/jem.2015.333
- خواجه نوری، بیژن و مساوات، ابراهیم. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی رابطه‌ی سبک زندگی و رفتار مصرف‌کننده (مطالعه‌ی موردی: زنان متأهل شهر شیراز). فصلنامه زن و جامعه، ۱۰(۳۸)، ۳۰۲-۲۳۸.
- داداش‌پور، هاشم، و روشنی، صالح. (۱۳۹۲). ارزیابی بین‌فرد و محیط زندگی در محلات جدید با استفاده از سنجش کیفیت عینی و ذهنی. مطالعات شهری، ۶(۳).
- ذکایی، ابوتراب، و انتظاری، علی. (۱۳۹۶). مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۸(۱)، ۲۳-۵. <https://doi.org/10.22631/jicr.2017.1490.2196>
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۶). تحول الگوهای سبک زندگی جوانان ایران. الگوهای سبک زندگی ایرانیان. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. راپور، آموس. (۱۳۹۲). انسان‌شناسی مسکن (فرد افضلیان، مترجم). تهران: کتابکده کسری.

- شصتی، شیمای، و فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۴). رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تکیه بر نظریه جامعه کوتاه مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران). فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۳۶(۳)، ۱۱۷-۱۳۷.
- صاداقتی، عاطفه، پیربابایی، محمدتقی، نوریان، فرشادوبیتی، حامد. (۱۴۰۰). ارزشیابی مسکن شهری برنامه‌ریزی شده در شهر تبریز از نگاه ساکنان. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۲(۳)، ۱-۱۳. <https://doi.org/10.22108/gep.2021.126233.13763>
- صفری اصل، لیلا. (۱۴۰۱). طراحی داخلی با رویکرد زیبایی‌شناسی در مسکن معاصر. اندیشنامه معماری داخلی، ۲(۲)، ۸۱-۹۵.
- سرداری، مازیار، زارع، لیلا، طلایی، آویده، قبادیان، وحید. (۱۴۰۲). ۱۱۵-۱۳۱ سبک‌شناسی معماری دوره پهلوی دوم با رویکرد ارزیابی رفتار کالبدی آثار در هرسبک. فصلنامه آینده‌پژوهی شهری، ۳(۲)، ۱۱۵-۱۳۱. DOI: 10.30495/uf.2023.1984061.1117131
- علیزاده، اعظم، دانش، پروانه، ملکی، امیر، و جواهری، فاطمه. (۲۰۲۰). رابطه مؤلفه های سبک زندگی سالم با سلامت روان زنان و مردان. سلامت اجتماعی. <https://doi.org/10.22037/ch.v7i3.28929>. ۳۲۸-۳۳۹، ۳(۳)۷
- فاریابی، فهیم، و یزدان‌فر، سیدعباس. (۱۳۹۹). تاثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه (مطالعه موردی: شهرستان کرمان). معماری اقلیم گرم و خشک، ۸(۱۲)، ۱-۲۲. <https://sid.ir/paper/954848/fa>. SID.
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۷). مدرنیته و مسکن (رویکرد مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۱(۱)، ۶۳-۲۵. doi: 10.7508/ijcr.2008.01.002.
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۹۱). فرهنگ و شهر؛ چرخش فرهنگی در گفتمان شهری. تهران: انتشارات تپسا.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: نشر صبح صادق.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۷). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۷۹). مرمت شهری؛ چشم‌اندازها و نگرانی‌ها. فصلنامه هفت شهر، شماره ۱.
- کامی شیرازی، سیده‌مهسا، سلطان‌زاده، حسین و حبیب، فرح. (۱۳۹۷). تاثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران (نمونه مورد مطالعه: آپزخانه، حد فاصل سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷). پژوهش‌نامه زنان، ۹(۲ [پیاپی ۲۴])، ۳۳-۷۰. <https://sid.ir/paper/382738/fa> بازایی از
- مدهوشیان‌زاد، محمد، و عسکری‌الموتی، حجت‌الله (۱۳۹۵). تمایزهای کیفی و کمی در سیر تحول ارسی‌های قاجاری تبریز. نشریه هنرهای زیبا، ۴۰(۲۱)، ۷۷-۸۴.
- محمدی‌بیدسردره، ایمان و حیدری، شاهین. (۱۴۰۳). تاثیر جانمایی حیاط بر آسایش حرارتی بیرونی در ساختمان‌های مسکونی میان‌مرتبه شهر شیراز. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۹(۳)، ۷-۳۰. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.386529.673023>
- میرزایی، مریم. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی الگوهای فضایی در معماری مسکن ایرانی و مسکن معاصر. فصلنامه پژوهشی شهرسازی و معماری هویت محیط، ۳(۱۲)، ۱۱۹-۱۲۴. doi: 10.22034/(jupa-ei).2024.369329.1119.
- نواب‌خش، فرزاد. (۱۳۹۳). تغییرات سبک زندگی در فرآیند توسعه ابزارهای نوین فناوری. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۲ (مسلسل ۲۲))، ۴۵-۶۳. <https://sid.ir/paper/231916/fa>. SID.
- ولی‌زاده اوغانی، محمد باقر، و همایون، سیدسجاد. (۱۴۰۰). چالش‌های معماری و شهرسازی ایران از منظر اخلاق اسلامی (بررسی تطبیقی معماری سنتی و معاصر). مهندسی ساختمان و علوم مسکن، ۱۴(۱)، ۱۱-۱.
- وحدت‌طلب، مسعود، یاران، علی و محمدی خوش‌بین، حامد. (۱۳۹۹). ارزیابی ترجیحات بصری در نماهای مسکونی، مورد مطالعاتی: دوازده خانه تاریخی تبریز. معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۶۹۲. 150473.1692. doi: 10.22034/aaud.2019.150473.1692
- یونسی، گلزار، ارمان، مریم و ثقفی، محمدجواد. (۱۴۰۲). بازتاب تحولات سبک زندگی در معماری خانه‌های طبقات شغلی شرکت‌شهرهای نفتی ایران قبل از دهه پنجاه (نمونه موردی: شرکت‌شهر آبادان). باغ نظر، ۲۰ (۱۱۸)، ۳۶-۲۳. doi:10.22034/bagh.2022.349486.5219.
- Abrahamian, E. (2008). *A history of modern Iran*. Cambridge University Press.
- Askarizad, R, & Mehrinejad, E. (2020). Investigating the role of semi-open spaces on the sociability of residential environments. *Frontiers of Architectural Research*, 9(3), 616-630. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2020.03.005>
- Askarizad, R, & Mehrinejad, E. (2024). The interaction of history and modern thought in the creation of Iran's architecture. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 14(1), 12-25. <https://doi.org/10.1016/j.ijaur.2024.01.002>
- Asri, Y, Hayati, Y, & Pangesti, N. (2021). Millennial women's lifestyle in Metropop novels. In *Proceedings of the 4th International Conference on Language, Literature, and Education (ICLLE-4 2021), Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 604.
- Beamish, O, Goss, R, & Lee, H. (2007). Influence of lifestyle on housing preferences of multifamily housing residents. *Housing and Society*, 34(1), 1-38.
- Bianca, S. (2000). *Urban form in the Arab world: Past and present*. Thames & Hudson.

- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Routledge & Kegan Paul.
- Donaldson, S. (1969). Life styles: Conformity, neighboring and hyper-activity. In *The suburban myth* (pp. 102-116). University of Columbia Press.
- Douglas, S. P., & Urban, C. D. (1977). Life-style analysis to profile women in international markets. *Journal of Marketing*, 41(3), 46-54.
- Dovey, K. (2010). *Becoming places: Urbanism/architecture/identity/power*. Routledge.
- Earl, P. E. (1986). *Lifestyle economics: Consumer behaviour in a turbulent world*. Wheatsheaf.
- Evans, R. (2012). *The projective cast: Architecture and its three geometries*. MIT Press.
- Filipcova, B. (Ed.). (1972). Special issue on socialist life style. *Society and Leisure*, 3.
- Greenberg, M. G., & Frank, R. E. (1983). Leisure lifestyle: Segmentation by interests, needs, demographics, and television viewing. *American Behavioral Scientist*, 26(4), 439-459.
- Hakim, C. (2002). Lifestyle preferences as determinants of women's differentiated labor market careers. *Work and Occupations*, 29(4), 428-459. <https://doi.org/10.1177/07308884020290040>
- Keddie, N. R. (2003). *Modern Iran: Roots and results of revolution*. Yale University Press.
- Kline, R. B. (2010). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). Guilford Press.
- Mehrotra, S., & Wells, W. D. (1977). Psychographics and consumer behavior: Theory and recent empirical findings. In Arch G. Woodside et al. (Eds.), *Consumer and industrial buying behavior* (pp. 49-65). North Holland/Elsevier.
- Mitchell, A. (1985). *The nine American lifestyles*. Collier Macmillan.
- Montazeri, F., & Askarizad, R. (2009). Reading urban spaces by the space-syntax method: A proposal for the analysis of historical urban spaces. *Cities*, 26(6), 337-344. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2009.07.002>
- Rapoport, A. (2005). *Culture, architecture and design*. Locke Science Publishing.
- Safari, M. (2022). Social patterns and traditional courtyard houses in Iran. *Journal of Architectural Heritage*, 26(3), 275-292.
- Tomlinson, A. (1990). Introduction: Consumer culture and the aura of the commodity. In Alan Tomlinson (Ed.), *Consumption, identity and style* (pp. 1-40). Comedia/Routledge.
- Wright, G. (1981). *The politics of design in French colonial urbanism*. University of Chicago Press.